# جاذبه و دافعه علی علیه السلام

فيلسوف شهير و حكيم فرزانه، علامه شهيد مطهري(ره) كتابي دارد به نام “جاذبه و دافعه علي(علیه السلام) “ اين كتاب مشتمل است بر يك مقدمه و دو بخش، در مقدمه، كلياتي درباره جذب و دفع به طور عموم و جاذبه و دافعه انسان‌ هابه طور خصوص بحث شده است. در بخش اول جاذبه علي(ع) كه همواره دل‌ هايي را به سوي خود كشيده و مي‌ كشد و فلسفه آن و فايده و اثر آن، موضوع بحث قرار گرفته است. در بخش دوم، دافعه نيرومند آن حضرت كه چگونه عناصري را به سختي طرد مي‌ كرد توضيح و تشريح شده است. استاد شهيد در اين كتاب ثابت نموده كه علي(علیه السلام) دو نيرويي بوده است و هركس كه بخواهد در مكتب او پرورش يابد بايد دو نيرويي باشد. با اين مقدمه كوتاه اينك فرازهايي از ديدگاه آن شهيد بزرگوار را پيرامون شناخت وي از شخصيت ملكوتي حضرت علي(علیه السلام) به صورت اختصار خواهيم آورد؛

۱. **تاثير علي(علیه السلام) بر روي انسان‌ ها**: يكي ازجوانب و نواحي وجود اين شخصيت عظيم، ناحيه تاثير او بر روي انسان‌ ها به شكل مثبت يا منفي است و به عبارت ديگر “جاذبه و دافعه” نيرومند اوست كه هنوز هم نقش فعال خود را ايفا مي‌ نمايد.

۲. **امتياز اساسي علي(علیه السلام)**: امتياز اساسي آن حضرت و ساير مرداني كه از پرتو حق روشن بوده‌ اند اين است كه علاوه بر مشغول داشتن خاطر ها، به دل‌ ها و روح‌ ها نور و حرارت و عشق و نشاط و ايمان و استحكام مي‌ بخشند.

۳. **خاصيت و مكتب علي(علیه السلام)**: در علي(ع) هم خاصيت فيلسوف است و هم خاصيت رهبر انقلابي و هم خاصيت پير طريقت و هم خاصيتي از نوع خاصيت پيامبران مكتب او هم مكتب عقل و انديشه است و هم مكتب شور و انقلاب و هم مكتب تسليم و انضباط و هم مكتب حسن و زيبايي و جذبه و حركت.

۴. **بيان اوصاف علي(علیه السلام)**: پيش از آن كه امام عادل براي ديگران باشد و درباره ديگران به عدل رفتار كند خود شخصا موجودي متعادل و متوازن بود. كمالات انسانيت را با هم جمع كرده بود. هم انديشه‌ اي عميق و دور رس داشت و هم عواطفي رقيق و سرشار، كمال جسم و كمال روح را توام داشت. شب هنگام عبادت از ماسوي مي‌ بريد و روز در متن اجتماع فعاليت مي‌ كرد. روز ها چشم انسان‌ ها مواسات و از خودگذشتگي‌ هاي او را مي‌ ديد و گوش‌ هايشان پند و اندرز ها و گفتار هاي حكيمانه‌ اش را مي‌ شنيد و شب چشم ستارگان اشك‌ هاي عابدانه‌ اش را مي‌ ديد و به گوش آسمان مناجات‌ هاي عاشقانه‌ اش را مي‌ شنيد. هم مفتي بود وهم حكيم، هم عارف بود و هم رهبر اجتماعي، هم زاهد بود و هم سرباز، هم قاضي بود و هم كارگر، هم خطيب بود و هم نويسنده، بالاخره به تمام معني يك انسان كامل بود با همه زيبايي‌ هايش.

۵. **علي(علیه السلام) شخصيت دو نيرويي**: علي(ع) از مرداني است كه هم جاذبه دارد و هم دافعه و جاذبه و دافعه او سخت نيرومند است. شايد در تمام قرون و اعصار، جاذبه و دافعه‌ اي به نيرومندي جاذبه و دافعه علي(علیه السلام) پيدا نكنيم. دوستاني دارد عجيب، تاريخي، فداكار، با گذشت، از عشق او همچون شعله‌ هايي از خرمني آتش سوزان و پرفروغ‌ اند جان دادن در راه او را آرمان و افتخار مي‌ شمارند ودر دوستي او همه چيز را فراموش كرده‌ اند. از مرگ علي(علیه السلام) ساليان، بلكه قروني گذشت اما اين جاذبه همچنان پرتو مي‌ افكند و چشم‌ ها را به سوي خويش خيره مي‌ سازد. در دوران زندگيش عناصر شريف و نجيب، خدا پرستاني فداكار و بي‌ طمع، مردمي با گذشت و مهربان، عادل و خدمتگزار خلق كرد و حول محور وجودش چرخيدند كه هركدام تاريخچه‌ اي آموزنده دارند و پس از مرگش در دوران خلافت معاويه و امويان، جمعيت‌ هاي زيادي به جرم دوستي او در سخت‌ ترين شكنجه‌ ها قرار گرفتند اما قدمي را در دوستي و عشق علي(علیه السلام) كوتاه نيامدند و تا پاي جان ايستادند.

۶. **جاودانه ماندن علي(علیه السلام)**:  علي(ع) اگر رنگ خدا نمي‌ داشت و مردي الهي نمي‌ بود فراموش شده بود. تاريخ بشر قهرمان‌ هاي بسيار سراغ دارد قهرمان‌ هاي سخن، قهرمان‌ هاي علم و فلسفه، قهرمان‌ هاي قدرت و سلطنت،‌ قهرمان ميدان جنگ ولي همه را بشر از ياد برده و يا اصلا نشناخته است اما علي(ع) نه تنها با كشته شدنش نمرد بلكه زنده‌ تر شد خود مي‌ گويد: “گرد آورندگان دارايي‌ ها در همان حال كه زنده‌ اند مرده‌ اند و دانشمندان (علماي رباني) پايدارند تا روزگار پايدار است جسم‌ هاي آن ها گمشده است اما نقش‌ هاي آن ها بر صفحه دل‌ ها موجود است.”(۱) درباره شخص خودش مي‌ فرمايد: “فردا روز هاي مرا مي‌ بينيد و خصايص شناخته نشده من برايتان آشكار مي‌ گردد و پس از تمام شدن جان من و ايستادن ديگري به جاي من مرا خواهيد شناخت”(۲)

در حقيقت علي(علیه السلام) همچون قوانين فطرت است كه جاودانه مي‌ مانند. او منبع فياضي است كه تمام نمي‌ گردد بلكه روز به روز زيادتر مي‌ شود و به قول “جبران خليل جبران” از شخصيت‌ هايي است كه در عصر پيش از عصر خود به دنيا آمده‌ اند.

بعضي از مردم فقط در زمان خودشان رهبرند و بعضي‌ اندكي بعد از زمان خويش نيز رهبرند و به تدريج رهبريشان رو به فراموشي مي‌ رود. اما حضرت علي(علیه السلام) و معدودي از انسان‌ ها با خصايص بيان شده هميشه هادي و رهبرند.

۷. **علي(علیه السلام) تجسم حقيقت**: علي(ع) مقياس ميزاني است براي سنجش فطرت‌ ها و سرشت‌ ها، آن كه فطرتي سالم و سرشتي پاك دارد از وي نمي‌ رنجد ولو اينكه شمشيرش بر او فرود آيد و آن كه فطرتي آلوده دارد به او علاقه‌ مند نگردد ولو اينكه احسانش كند. چون علي(علیه السلام) جز تجسم حقيقت چيزي نيست او خود مي‌ فرمايد: “اگر با اين شمشيرم بيني مومن را بزنم كه با من دشمن شود هرگز دشمني نخواهد كرد و اگر همه دنيا را بر سر منافق بريزم كه مرا دوست بدارد هرگز مرا دوست نخواهد داشت. زيرا كه اين سخن بر زبان پيغمبر امي جاري گشته كه گفت: “يا علي! مومن تو را دشمن ندارد و منافق تو را دوست نمي‌ دارد. ”(۳)

۸. **سبب دوستي و محبت علي(علیه السلام) در د‌ل‌ ها**: فوق‌‌ العادگي علي(ع) در چيست كه عشق‌ ها را برانگيخته و دل‌ ها را به خود شيفته ساخته و رنگ حيات جاوداني گرفته و براي هميشه زنده است؟ چرا دل‌ ها همه خود را با او آشنا مي‌ بينند و اصلا او را مرده احساس نمي‌ كنند بلكه زنده مي‌ يابند؟ مسلما ملاك دوستي او جسم او نيست زيرا جسم او اكنون در بين ما نيست و ما آن را احساس نكرده‌ ايم، و با محبت علي(علیه السلام) از نوع قهرمان‌ دوستي كه در همه ملت‌ ها وجود دارد نيست. هم اشتباه است كه بگوييم محبت علي(علیه السلام) از راه محبت نيست هم اشتباه است كه بگوييم محبت علي(علیه السلام) از راه محبت فضيلت‌ هاي اخلاقي و انساني است و حب علي(علیه السلام) حب انسانيت است.

درست است علي(علیه السلام) مظهر انسان كامل بوده و درست است كه انسان نمونه‌ هاي عالي انسانيت را دوست مي‌ دارد اما اگر علي(علیه السلام) همه اين فضايل انساني را كه داشت مي‌‌‌ داشت آن حكمت و آن علم، آن فداكاري‌ ها و از خود گذشتگي‌ ها، آن تواضع و فروتني‌، ‌آن ادب، آن مهرباني و عطوفت، آن ضعيف‌ پروري، آن عدالت، آن آزادگي و آزادي خواهي، آن احترام به انسان، آن ايثار، آن شجاعت، آن مروت و مردانگي نسبت به دشمن، آن سخا و جود و كرم و... اگر علي(علیه السلام) همه اين ها را داشت مي‌ داشت اما رنگ الهي نمي‌ داشت مسلما اين قدر كه امروز عاطفه‌ انگيز و محبت خيز است نبود. علي(علیه السلام) از آن نظر محبوب است كه پيوند الهي دارد، دل‌ هاي ما به طور ناخودآگاه در اعماق خويش با حق سرو سر و پيوستگي دارد و چون علي(علیه السلام) را آيت بزرگ حق و مظهر صفات حق مي‌ يابند به او عشق مي‌ ورزند. درحقيقت پشتوانه عشق علي(علیه السلام) پيوند جان‌ ها با حضرت حق است كه براي هميشه در فطرت‌ ها نهاده شده و چون فطرت‌ ها جاوداني است مهر علي(علیه السلام) نيز جاودان است. نقطه‌ هاي روشن در وجود علي(علیه السلام) بسيار زياد است اما آن چه براي هميشه او را درخشنده و تابان قرار داده ايمان و اخلاص اوست و آن است كه به وي جذبه الهي داده است.

۹. **علي(علیه السلام) مردي دشمن‌‌ ساز و ناراضي‌ ساز**: علي(علیه السلام) مردي دشمن ساز و ناراضي ساز بود، اين يكي ديگر از افتخارات بزرگ اوست. هر آدم هدف دار و مبارز و مخصوصا انقلابي كه در پي عملي ساختن هدف‌ هاي مقدس خويش است مصداق قول خداست كه “يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومه لائم: در راه خدا مي‌ كوشند و از سرزنش، سرزنشگري بيم نمي‌ كنند. ” (۴)

اگر شخصيت علي (ع)، امروز تحريف نمي‌ شد و همچنان‌ كه بوده ارائه داده مي‌ شد، بسياري از مدعيان دوستيش در رديف دشمنانش قرار مي‌ گرفتند! علي(علیه السلام) در راه خدا از كسي ملاحظه نداشت بلكه اگر به كسي عنايت مي‌ ورزيد و از كسي ملاحظه مي‌ كرد به خاطر خدا بود. قهرا اين حالت، دشمن ساز است و روح‌ هاي پر طمع و پر آرزو را رنجيده مي‌ كند و به درد مي‌ آورد. در ميان اصحاب پيغمبر (صلی الله علیه و آله) هيچ‌ كس مانند علي(علیه السلام) دوستاني فداكار نداشت، همچنان كه هيچ كس مانند او دشمناني اين چنين جسور و خطرناك نداشت. مردي بود كه حتي بعد از مرگ، جنازه‌ اش مورد هجوم دشمنان واقع گشت. او خود از اين جريان آگاه بود و آن را پيش‌ بيني مي‌ كرد و لذا وصيت كرد كه قبرش مخفي باشد و جز فرزندانش ديگران ندانند، تا آنكه حدود يك قرن گذشت و دولت امويان منقرض گشت، خوارج نيز منقرض شدند و يا سخت ناتوان گشتند، كينه‌ ها و كينه‌ توزي‌ ها كم شد و به دست امام صادق(علیه السلام) تربت مقدسش اعلان گشت.

۱۰. **علي(علیه السلام) مظهر جامعيت و انسان كامل**: يكي از مظاهر جامعيت و انسان كامل بودن علي(علیه السلام) اين است كه در مقام اثبات و عمل با فرقه‌ هاي گوناگون و انحرافات مختلف روبرو شده و با همه مبارزه كرده است. گاهي او را در صحنه مبارزه با پول پرست‌ ها و دنيا پرستان متجمل مي‌ بينيم، گاهي هم در صحنه مبارزه با سياست پيشه‌ هاي ده رو و صدرو، گاهي با مقدس نما هاي جاهل و منحرف. لذا وجود مقدس حضرت علي(علیه السلام) در دوران خلافتش سه دسته را از خود طرد كرد و با آنان به پيكار برخاست؛ اصحاب جمل كه خود آنان را ناكثين ناميد و اصحاب صفين كه آن ها را قاسطين خواند و اصحاب نهروان يعني خوارج كه خود آن ها را مارقين مي‌ خواند. (۵)

۱۱. **مبارزه علي(علیه السلام) با دو طبقه**: سراسر وجود علي (ع)، تاريخ و سيرت علي (ع)، خلق و خوي علي (ع)، رنگ و بوي علي (ع)، سخن و گفتگوي علي(ع) درس و سرمشق و تعليم و رهبري است. همچنان كه جذب‌ هاي علي(علیه السلام) براي ما آمرزنده و درست است، دفع‌ هاي او نيز چنين است، ما معمولا در زيارت‌ هاي علي(ع) و ساير اظهار ادب‌ ها مدعي مي‌ شويم كه ما دوست دوست تو، و دشمن دشمن تو هستيم. تعبير ديگر اين جمله اين است كه به سوي آن نقطه مي‌ رويم كه در جو جاذبه تو قرار دارد و تو جذب مي‌ كني و از آن نقاط دوري مي‌ گزينم كه تو آن ها را دفع مي‌ كني.

علي(علیه السلام) دو طبقه را سخت دفع كرده است۱؛ - منافقان زيرك. -۲ زاهدان احمق.

همين دو درس، براي مدعيان تشييع او كافي است كه چشم باز كنند و فريب منافقان را نخورند، تيزبين باشند و ظاهربيني را رها نمايند.

**پي نوشت ها:**

۱. نهج‌البلاغه، حكمت ۱۳۹  
۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۹  
۳. نهج‌البلاغه، حكمت ۴۲  
۴. سوره مائده، ۵۴  
۵. و قبل از آن حضرت، پيغمبر (ص) آنان را به اين نام‌ها ناميد كه به وي گفت: “ستقاتل بعدي الناكثين و القاسطين و المارقين” پس از من با ناكثين و قاسطين و مارقين مقاتله خواهي كرد. اين روايت را ابن‌ابي‌الحديد در شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۲۰۱ نقل مي‌كند و مي‌گويد اين روايت يكي از دلايل نبوت حضرت ختمي مرتب است، زيرا كه اخباري صريح است از آينده و غيب كه هيچ‌گونه تاويل و اجمالي در آن راه ندارد.